

ستایش

کردگار: آفریننده، خالق / افلاک*: ج. فلک: آسمان، چرخ / پیدا کردن: به وجود آوردن / کف: به اندازه سطح داخلی دست / فضل*: بخشش، کرم، نیکویی / رحمت: مهربانی و بخشایندهگی / رزاق*: روزی‌دهنده / خلاق: آفریدگار، خداوند / زهی*: آفرین، احسنت / کام*: سقف دهان، مجازاً دهان، زبان / فروغ*: روشنایی، پرتو / عجایب: ج. عجیبه: چیزهای شگفت‌انگیز و عجیب / از (بیت ۷): به سبب / جان: جوهره و اصل هر چیز، هسته / عطار: فروشنده داروهای گیاهی، عطر فروش^۱

مضمون و آرایه

بیت / عبارت	مضمون	آرایه‌های ادبی
به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک	آفرینش انسان از خاک	کنایه: کردگار هفت افلاک ← خداوند / واج‌آرایی: / ک / / تلمیح: به آفرینش انسان از خاک
الهی، فضل خود را یار ما کن ز رحمت، یک نظر در کار ما کن	طلب لطف و رحمت خداوند	جناس: یار و کار (ناقص) / تناسب: فضل و رحمت / کنایه: نظر در کار کسی کردن ← توجه کردن و عنایت به او
تویی رزاقِ هر پیدا و پنهان تویی خلاقِ هر دانا و نادان	خداوند، آفریننده و روزی‌دهنده همگان است.	تضاد: پیدا و پنهان - دانا و نادان / تناسب: رزاق و خلاق (از نام‌های خداوند)
زهی گویا ز تو، کام و زبانه تویی هم آشکارا، هم نهانم	همه چیز از خداست و او بر همه چیز آگاه است.	تناسب: گویا، کام و زبان / تضاد: آشکارا و نهان
چو در وقتِ بهار آیی پدیدار حقیقت، پرده برداری ز رخسار	جلوه خداوند در زیبایی‌های طبیعت	کنایه: پرده از رخسار برداشتن ← آشکارشدن / تضاد: پدیدار و پرده
فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک	زیبایی آفرینش از پرتو جمال الهی است.	
گل از شوقِ تو خندان در بهار است از آتش رنگ‌های بی‌شمار است	عشق به خداوند موجب زیبایی پدیدهاست.	تشخیص: گل / تناسب: گل، بهار و رنگ - شوق و خندان / کنایه: خندان شدن گل ← شکفتن گل
هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی یقین دانم که بی‌شک، جانِ جانی	وصف‌ناپذیری خداوند / خداوند جوهره و ذات بشر است.	جناس: آن و جان (ناقص) / تکرار: جان
نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی	خداوند از همه چیز آگاه است و ما ناآگاهیم.	تکرار: نمی‌دانم - تو دانی / تضاد: نمی‌دانم و دانی / واج‌آرایی: / ن / ، / ی /

نکات دستوری

از آتش، رنگ‌های بی‌شمار است: جابه‌جایی ضمیر ← رنگ‌های بی‌شمارش از آن است.	عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک: ترکیب وصفی مقلوب ← نقش‌های عجایب (عجیب)
--	---

۱. لغات مربوط به واژه‌نامه آخر کتاب با علامت * و املاهای مهم با خطی در زیرشان مشخص شده‌اند.

۱- معنی درست واژه‌های «رزاق، فروغ، زهی، افلاک» به ترتیب در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- (۱) روزی‌رسان، روشنایی، آفرین، چرخ
(۲) آفریدگار، روشنایی، خوشا، آسمان
(۳) روزی‌دهنده، پرتو، آفرین، آسمان‌ها
(۴) آفریننده، آسایش، خوشا، آسمان‌ها

۲- معنای چند واژه در مقابل آن نادرست نوشته شده است؟

(رخسار: چهره) (خلاق: آفریدگار) (رحمت: مهربان) (نهان: پوشیده) (عطار: کسی که داروها و چیزهای خوشبو می‌فروشد) (عجایب: شگفتی‌ها) (فضل: بخشش) (نظر: نگرستن و توجه)

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۳- واژه «کام» در کدام بیت معنای متفاوتی دارد؟

- (۱) سخن دیو بندی است در چاه دل
(۲) پیش دم‌سردان زبان گفت‌وگو در کام کش
(۳) لب ز حرف شکوه بستن تلخ دارد کام من
(۴) جهان به کام من اکنون شود که دور زمان

۴- معنای واژه «گویا» در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) هر تنی زیر بار منت اوست
(۲) چو بشنید کودک ز نوشین روان
(۳) بهایم خموشند و گویا بشر
(۴) گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب
- هر زبانی به شکر او گویاست
سرش پر سخن گشت و گویا زبان
پراکنده‌گوی از بهایم بتر (بهایم: چارپایان - بتر: بدتر)
کاشوب در تمامی ذرات عالم است

۵- در کدام بیت غلط املائی وجود ندارد؟

- (۱) تحصیل عشق و رندی آسان نمود اول
(۲) زهی کریم و خداوند کردگار حلیم
(۳) بر در شاهم گدایی نکته‌ای در کار کرد
(۴) فروق ماه می‌دیدم ز بام قصر او روشن
- آخر بسوخت جانم در کسب این فزایل
که از تو هر چه بریدیم باز پیوستی
گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رذاق بود
که رو از شرم آن خورشید در دیوار می‌آورد

۶- در کدام بیت آرایه «تضاد» دیده نمی‌شود؟

- (۱) تویی رزاق هر پیدا و پنهان
(۲) زهی گویا ز تو کام و زبانم
(۳) هر آن وصفی که گویم بیش از آنی
(۴) نمی‌دانم، نمی‌دانم الهی

۷- در چند بیت از ابیات زیر آرایه «تشخیص» وجود دارد؟

- (الف) به نام کردگار هفت افلاک
(ب) الهی فضل خود را یار ما کن
(ج) گل از شوق تو خندان در بهار است
(د) نمی‌دانم، نمی‌دانم الهی
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۸- در همه ابیات، آرایه «تلمیح» به کار رفته است، به استثنای بیت گزینه

- (۱) به نام کردگار هفت افلاک
(۲) زهی گویا ز تو، کام و زبانم
(۳) تویی رزاق هر پیدا و پنهان
(۴) گل از شوق تو خندان در بهار است
- که پیدا کرد آدم از کفی خاک
تویی هم آشکارا، هم نهانم
تویی خلاق هر دانا و نادان
از آنش رنگ‌های بی‌شمار است

۹- در کدام بیت «جناس» وجود ندارد؟

- (۱) زهی گویا ز تو، کام و زبانم
 (۲) فروغ رویت اندازی سوی خاک
 (۳) الهی فضل خود را یار ما کن
 (۴) هر آن وصفی که گویم بیش از آنی

۱۰- در چند مورد از موارد زیر، آرایه درج شده در برابر بیت درست است؟

- (الف) الهی فضل خود را یار ما کن
 (ب) چو در وقت بهار آیی پدیدار
 (ج) فروغ رویت اندازی سوی خاک
 (د) نمی دانم نمی دانم الهی
- ۱ یک
 ۲ دو
 ۳ سه
 ۴ چهار
- ز رحمت یک نظر در کار ما کن (تشبیه)
 حقیقت پرده برداری ز رخسار (کنایه)
 عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک (تضاد)
 تو دانی و تو دانی آن چه خواهی (واج آرایه)

۱۱- در کدام گزینه علاوه بر «تلمیح»، «تشبیه» نیز به کار رفته است؟

- (۱) سیلاب ظلم او در و دیوار می‌کند
 (۲) به جانت ای بت شیرین‌دهن که همچون شمع
 (۳) گرش ببینی و دست از ترنج بشناسی
 (۴) به تمنای تو در آتش محنت چو خلیل

۱۲- در کدام گزینه آرایه «کنایه» دیده نمی‌شود؟

- (۱) آدمی گر خون ببارد از گران‌باری رواست
 (۲) ای سیل اشک، خاک وجودم به باد ده
 (۳) با آن همه دشمنی که کردی
 (۴) دلیری سیه‌نامه سخت‌دل
- کانچه نتوانست بردن آسمان، بر دوش اوست
 تا بر دل کسی ننشیند غبار من
 باز آی که دوستی همان است
 ز ناپاکی ابلیس در وی خجل

قرابت معنایی

۱۳- مفهوم کدام مصراع نادرست است؟

- (۱) که پیدا کرد آدم از کفی خاک ☐ آفریده شدن انسان از خاک
 (۲) زهی گویا ز تو، کام و زبانم ☐ ناتوانی انسان در سپاس‌گزاری خدا
 (۳) هر آن وصفی که گویم بیش از آنی ☐ وصف ناپذیری خدا
 (۴) گل از شوق تو خندان در بهار است ☐ جلوه‌گری طبیعت از عشق الهی

۱۴- مفهوم نوشته شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) به نام کردگار هفت افلاک ☐ خالقیت خداوند
 (۲) ز رحمت یک نظر در کار ما کن ☐ ناظر بودن خداوند
 (۳) تویی رزاق هر پیدا و پنهان ☐ روزی‌رسانی خدا
 (۴) الهی فضل خود را یار ما کن ☐ درخواست بخشش الهی

۱۵- کدام مصراع به آفرینندگی خداوند اشاره دارد؟

- (۱) تویی هم آشکارا، هم نهانم
 (۲) یقین دانم که بی‌شک جان جانی
 (۳) تویی رزاق هر پیدا و پنهان
 (۴) تویی خلاق هر دانا و نادان

۱۶- کدام گزینه با بیت «به نام کردگار هفت افلاک / که پیدا کرد آدم از کفی خاک» تناسب معنایی دارد؟

- (۱) گوهر ز سنگ خاره کند، لؤلؤ از صدف
 (۲) اقرار می‌کند دو جهان بر یگانگیش
 (۳) یاد تو روح‌پرور و وصف تو دل‌فریب
 (۴) دادار غیب‌دان و نگه‌دار آسمان
- فرزند آدم از گل و برگ گل از گیا
 یکتا و پشت عالمیان بر درش دوتا ☐ خمیده
 نام تو غم‌زدای و کلام تو دل‌ریا
 رزاق بنده‌پرور و خلاق رهنما

۱۷- مصراع «تویی خلاق هر دانا و نادان» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

- | | |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد | ۱) توحیدگوی او نه بنی‌آدمند و بس |
| همان دم حاجتش آرد پدیدار | ۲) بدانند حاجت موری در اسرار |
| عیب ما گو مکن به نادانی | ۳) مر خداوند عقل و دانش را |
| خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد | ۴) بحر آفرید و بر و درختان و آدمی |

۱۸- کدام گزینه با بیت «زهی گویا ز تو کام و زبانم / تویی هم آشکارا، هم نهانم» تناسب دارد؟

- | | |
|--------------------------------|---------------------------------|
| چون زبانم کارگر نی، ای عجب! | ۱) پُرسخن دارم دلی، لیکن چه سود |
| اشکِ خون‌آلودِ من گویا خوش است | ۲) گر زبانم گنگ شد در وصف تو |
| بده سزای که اسرارِت بدانم | ۳) تو گویا کن به فضل خود زبانم |
| بوی تو جان‌داروی جان‌های ما | ۴) ای سخنت مَهر زبان‌های ما |

۱۹- کدام گزینه با بیت «تویی رزاق هر پیدا و پنهان / تویی خلاق هر دانا و نادان» قرابت معنایی ندارد؟

- | | |
|--|------------------------------------|
| روزی خود می‌برند پشه و عنقا (= سیمرغ) | ۱) قسمت خود می‌خورند منعم و درویش |
| روزی که بی‌تو می‌گذرد روز محشر است | ۲) دانی که چون همی گذرانیم روزگار؟ |
| به عصیان در رزق بر کس نیست | ۳) ولیکن خداوند بالا و پست |
| که سیمرغ در قاف روزی خورد | ۴) چنان پهن خوانِ کرم گسترده |

۲۰- مفهوم کدام گزینه با دیگر ابیات متفاوت است؟

- | | |
|------------------------------|---------------------------------|
| نگردد ز دنبال بخشنده باز | ۱) گدا چون کرم بیند و لطف و ناز |
| اگر چند بی دست و پایند و زور | ۲) مهیا کن روزی مار و مور |
| که روزی رساند، تو چندین مسوز | ۳) تواناست آخر خداوند روز |
| نویسنده عمر و روزی است هم | ۴) نگارنده کبودک اندر شکم |

۲۱- کدام گزینه با مصراع «به نام کردگار هفت افلاک» تناسب معنایی ندارد؟

- | | |
|-----------------------------------|--------------------------------------|
| از بهر عبرتِ نظرِ هوشیار کرد | ۱) ترکیب آسمان و طلوع ستارگان |
| خُنک آن کس که برگزیده اوست | ۲) نفس و افلاک آفریده اوست |
| ز خویشانِ نفسی ای پسر به حق پرداز | ۳) شبی چنین در هفت آسمان به رحمت باز |
| چرخ گردون آفریدن کار توست | ۴) زندگی را سوز و ساز از نار توست |

۲۲- کدام بیت با مصراع «هر آن وصفی که گویم بیش از آنی» قرابت معنایی ندارد؟

- | | |
|---|---|
| عیب آن است که هر روز به طبعی دگری | ۱) هر چه در وصف تو گویند به نیکویی، هست |
| وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم | ۲) ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم |
| هر چه گویم هزار چندان است | ۳) وصف خوبی او چه دانم گفت؟ |
| آن همه دون حق توست و تو برتر ز آنی | ۴) هر چه در وصف تو گویند و کنند اندیشه |

۲۳- همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ با مصراع «هر آن وصفی که گویم بیش از آنی» تناسب معنایی دارند.

- | | |
|--------------------------------------|---|
| چون بینمت که برتر از آنی چه گویمت | ۱) خواهم به جان که وصف تو گویم به صد زبان |
| متحیرم در اوصافِ جمال و روی و زبیت | ۲) به قیاس درنگنجی و به وصف درنیایی |
| هر حدیثی که در آن وصف و ثنای تو بود | ۳) راحت روح و فتوح دل مشتاقان است |
| حُسنِ گل، بیش از قیاس بلبل بسیارگوست | ۴) سعديا، چندان که خواهی گفت وصف روی یار |

فصل اول



ادبیات تعلیمی

درس اول

چشم و سنگ

غلغله زن*؛ شور و غوغاکنان / تیزپا*؛ شتابنده، سریع / **معرکه***؛ میدان جنگ، جای نبرد / **گلبن***؛ بوته گل، گل سرخ، بیخ بوته گل / **شکن***؛ پیچ و خم زلف / **دمیدن***؛ رویدن و سر برآوردن گیاه از زمین / **گهر***؛ گوهر؛ سنگ قیمتی، مانند الماس، زمرد و یاقوت / تابناک؛ روشن و درخشنده / **حامل***؛ آورنده، حمل کننده / **پیرایه***؛ زیور، زینت / **بن***؛ اساس، بنیاد، آخر / **نیلوفری***؛ صفت نسبی؛ منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی. در متن درس مقصود از «پردۀ نیلوفری»، آسمان لاجوردی است. / **همسری***؛ برابری، رقابت / **نمط***؛ روش، نوع / **سهمگن***؛ مخفّف سهمگین؛ دارای وقار و هیبت که دیدارش ترس آمیخته به احترام ایجاد می کند. / **نادره***؛ بی مانند، بی نظیر / **راست***؛ به واقع، به درستی / **پله***؛ رها، آزاد / **پله دادن***؛ با راحتی به جایی تکیه دادن، لم دادن / **هنگامه***؛ غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت مردم / **ورطه***؛ زمین پست، مهلکه، هلاکت / **خیره***؛ سرگشته، حیران، فرומانده، لجوج، بیهوده / **پهنا***؛ وسعت، گستردگی / **حقاً***؛ به حقیقت، به راستی، واقعاً / **حقارت***؛ بی ارزشی، خواری / **زهره***؛ کیسه صفا، مجازاً جرأت و شهامت

مضمون و آرایه

بیت / عبارت	مضمون	آرایه های ادبی
گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله زن، چهره نما، تیزپا	چابکی و جلوه گری	تشخیص: چشمه (در سراسر شعر، تشخیص دارد).
گه به دهان، بر زده کف چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف	سرعت حرکت	تشبیه: [چشمه] به صدف و تیر / جناس: صدف و هدف (ناقص)
گفت: درین معرکه، یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا منم	غرور و تکبر	تشبیه: من (چشمه) به تاج سر / تشخیص: گلبن و صحرا / کنایه: تاج سر ← مایه افتخار و بزرگی / تناسب: گلبن و صحرا
چون بدوم، سبزه در آغوش من بوسه زند بر سر و بر دوش من	خودستایی و غرور	تشخیص: سبزه / تناسب: آغوش، سر و دوش / جناس: بر و سر (ناقص)
چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من	خودستایی	تشخیص: ماه / تناسب: مو و رخ
قطره باران که درافتد به خاک زو بدمد بس گهر تابناک در بر من ره چو به پایان برد از خجلی سر به گریبان برد	غرور و خودبینی	تشخیص: قطره باران / کنایه: سر به گریبان بردن ← پنهان شدن / جناس: در، بر، سر (ناقص)
ابر ز من حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد	کبر و خودستایی	تشخیص: ابر، باغ / نماد: چشمه ← انسان مغرور، خودپسند و منت گذار
گل به همه رنگ و برزندگی می کند از پرتو من زندگی	فخر فروشی	تشخیص: گل (در چندین بیت)

بیت / عبارت	مضمون	آرایه‌های ادبی
در بُن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟	خودبزرگ‌بینی	استفهام انکاری: کیست کند با چو منی همسری؟ ← کسی نیست [تا] با من همسری کند.
دید یکی بحر خروشنده‌ای سهمگنی، نادره جوشنده‌ای نعره برآورده، فلک کرده کر دیده سپه کرده، شده زهره‌در	ابهت و شکوه / هولناکی	تشخیص: بحر / کنایه: زهره‌در ← بسیار ترسناک
راست به‌مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل، یله	مهابت و شکوه	تشبیه: [بحر] به زلزله / تکرار: تن / تشخیص: ساحل و [بحر]
خواست کزان ورطه، قدم درکشد خویشتن از حادثه برتر کشد	هراسیدن و عقب‌نشستن	کنایه: قدم درکشیدن ← عقب‌نشینی کردن
لیک چنان خیره و خاموش ماند کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند	سکوت از سر حیرت	حس‌آمیزی: شیرین‌سخنی / کنایه: شیرین‌سخنی ← خوش‌صحبتی - گوش‌ماندن ← ساکت‌شدن و گوش‌سپردن به سخن دیگران
یکی قطره باران ز ابری چکید خجل شد چو پهنای دریا بدید	فروتنی و تواضع	تشخیص: قطره باران (در کل شعر) / مراعات نظیر: قطره باران، ابر و دریا / تضاد: قطره باران و دریا
که جایی که دریاست من کیستم؟ گر او هست حقا که من نیستم	فروتنی	جناس: کیستم و نیستم (ناقص اختلافی) / استفهام انکاری: من کیستم؟ ← من کسی نیستم.
چو خود را به چشم حقارت بدید صدف در کنارش به جان پرورید	فروتنی، سبب سربلندی است.	تشخیص: صدف / کنایه: به جان ← از صمیم قلب، با تمام وجود
بلندی از آن یافت کاو پست شد در نیستی کوفت تا هست شد	فروتنی، سبب سربلندی است.	تضاد: بلندی و پست - نیستی و هست / کنایه: در نیستی کوفتن ← غرور و تکبر را کنار گذاشتن، فروتنی کردن
تا از عیب و گناه خود، پاک نگردم، عیب مردم نگویم.	پرهیز از عیب‌جویی	مراعات نظیر: عیب و گناه
تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم.	اعتقاد به رزاق‌بودن خداوند	
هر کس این پنج خصلت را داشته باشد، از آب حقیقت علم و حکمت، سیراب شده است.	دستیابی به علم و حکمت	اضافه تشبیهی: <u>آب حقیقت علم و حکمت</u>

نکات دستوری

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا: ترتیب صحیح اجزای جمله ← یکی چشمه غلغله‌زن، چهره‌نما و تیزپا از سنگی جدا گشت.			
یکی چشمه: یک	چشمه	ای	دید یکی بحر خروشنده‌ای / سهمگنی،
وابسته پیشین	هسته	وابسته پسین	
نادره جوشنده‌ای ← یکی	بحر	خروشنده	ای (مفعول جمله است).
وابسته پیشین	هسته	وابسته پسین	وابسته پسین

۲۴- معنی درست واژه‌های «ورطه، هنگامه، غلغله‌زن، گلبن» به ترتیب در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- (۱) کنج، داد و فریاد، شور و غوغاکنان، بوتۀ گل
- (۲) هلاکت، غوغا، فریادزنان، برگ گل
- (۳) مهلکه، شلوغی، شور و غوغاکنان، بوتۀ گل
- (۴) زمین پست، هیاهو، خشمگین، بیخ بوتۀ گل

۲۵- معنی چند واژه در مقابل آن، نادرست آمده است؟

(معرکه: میدان جنگ)، (حقارت: خوار)، (زهره: ترس)، (خجلی: شرم‌داشتن)، (تیزپا: شتابنده)، (نادره: کمیاب)، (نعره: بانگ)، (شکن: پیچ و خم)، (حقاً: تقدیراً)

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۲۶- معنی واژگان یا ترکیب مشخص شده در کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) در بن این پرده نیلوفری: لاجوردی
- (۲) کیست کند با چو منی همسری: برابری و هم‌مرتبی
- (۳) غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا: همراه با خودنمایی و جلوه‌گری
- (۴) دیده سیه کرده، شده زهره‌در: کم‌جرات

۲۷- واژه‌های «نمط، پیرایه، بُن، یله‌دادن» به ترتیب، یعنی:

- (۱) شیوه، زینت، انتها، رهاکردن
- (۲) روش، زیور، بالا، واگذاشتن
- (۳) طریقه، تزئین، ریشه، شورش کردن
- (۴) نوع، خردورزی، پایه، آزادشدن

۲۸- معنی واژه «شکن» در بیت زیر، با معنای آن در همهٔ ابیات به‌جز بیت یکسان است.

- «چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من»
- (۱) ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار
 - (۲) من سرگشته هم از اهل سلامت بودم
 - (۳) شکر کمال حلاوت پس از ریاضت یافت
 - (۴) بماند در شکن گیسوی تو دل، هُش دار
- فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست
دام را هم شکن طُورۀ هندوی تو بود
نخست در شکن تنگ از آن مکان گیرد
که آتش دل «خسرو» بدان شکن نرسد

۲۹- معنای چند واژه در برابر آن درست نوشته شده است؟

(زهی: آفرین)، (کردگار: آفریننده)، (رخسار: چهره)، (گنگ: بی‌زبان)، (رُزاق: خلاق)، (برازندگی: شایستگی)، (خصلت: بخیلی)، (خیره: زهی)

(افضل: برتری)، (افلاک: چرخ)، (گریبان: یقه)، (حکمت: دانایی)، (بحر: دریا)، (صاحب‌دلان: عارفان)

- (۱) ده (۲) نه (۳) هشت (۴) هفت

۳۰- برای واژه «راست» در بیت «راست به‌مانند یکی زلزله/ داده تنش بر تن ساحل یله»، در همهٔ ابیات به‌استثنای بیت می‌توان

معادل معنایی یافت.

- (۱) راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاک
 - (۲) یاد باد آن‌که به اصلاح شما می‌شد راست
 - (۳) گاه کوشش راست گفتی ساخته از سنگ روست
 - (۴) ساعتی کز درم آن سرو روان باز آمد
- بر زبان بود مرا آن‌چه تو را در دل بود
نظم هر گوهر ناسفته که حافظ را بود
گاه تدبیر آن‌چه گفتی خلق گفتندی نکوست
راست‌گویی به تن مرده روان باز آمد

۳۱- معنای واژه «خیره» در بیت زیر، با معنای آن در کدام دو عبارت یکسان نیست؟

«لیک چنان خیره و خاموش ماند کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند»

(الف) و بر سر نان بر ترش‌روی مباش و بر خوان سالار خیره جنگ مکن که: فلان خوردنی نیک است یا فلان خوردنی بد است.

(ب) من در صبر و مواظبت تو خیره مانده بودم و انتظار می‌کردم تا مگر در اثنای سخن از تو کلمه‌ای زاید که به اظهار مقصود ماند.

(ج) در هر نوع حضرتی طراوتی و در هر لقمه حلاوتی، کاسه‌های آش چون بدر در صدر جای گرفته و چشمهٔ خورشید از صفای آن تیره شده و دیده در آن آش‌ها خیره گشته.

(د) و بر کار ناروا قدم درمگذار که زود باشد به سر درآیی، چون آن خیره که مکننت و حشمت بر دوامش در سر ابرام و سماجت شد.

- (۱) د - الف (۲) ب - ج (۳) ج - الف (۴) ب - د

۳۲- واژه «رنگ» در کدام بیت معنا و برداشتی متفاوت با سایر ابیات دارد؟

- (۱) قبای حسن‌فروشی تو را برآزد و بس
 (۲) می‌دزدد از جمال تو آینه رنگ حسن
 (۳) خاک سیه بر سر او کز دم تو تازه نشد
 (۴) در آب و رنگ رخسارش چه جان دادیم و خون خوردیم
- که همچو گل همه آیین رنگ و بو داری
 ای آفتاب حسن به آینه رو مده
 یا همگی رنگ شود یا همه آوازه شود
 چو نقشش دست داد اول رقم بر جان‌سپاران زد

۳۳- در کدام گزینه غلط املایی وجود ندارد؟

- (۱) چندان که ملاطفت کرد و پرسیدش که از کجایی و چه نامی و چه صنعت داری؟ در بن بهر مودت چنان غریق بود که مجال و قوت نفس‌زدن نداشت.
 (۲) دستور گفت: جز صبر دستاویزی نیست؛ پس از جای خویش برخاست و به خانه آمد و شاهزاده را از فرق تا قدم به پیرایه‌ای لایق و درخور بیاراست.
 (۳) مطوّقه گفت: مرا قضای آسمانی در این ورطه کشید و دانه را بر من و باران من جلوه کرد و در چشم همه بیاراست تا غبار آن فروغ بصر را زایل ساخت.
 (۴) هرگز مگذار که ناسپاسی بر تو چیره گردد چه بر این نمط که گفته شد، ناسپاسی و کفران نعمت، مایه حقارت ذات و ذوال نعمت و شکر، مایه بقای دولت است.

۳۴- در کدام عبارت، غلط املایی یافت می‌شود؟

- (۱) زهی خداوند پاک که بنده گناه کند و او را شرم، کرم بود. زبان مدح در وصف کبرپایش گنگ و بیان و نطق در شکر فضل و نعم او، خام.
 (۲) و اصلاح خدم را مراتب نگاه باید داشت و انواع تأدیب و تقدیم به حسب انواع جنایات و جرایم استعمال فرمود و طریق عفو و ایثار را به کلی مسدود نباید گردانید.
 (۳) گستره زمین از عدل او خلد برین شده است و نسیم خسایل عدل‌پرور و شمیم شمایل فضل‌گستر او جماد و اموات را در حرکت و حیات آورده.
 (۴) من روی باز پس کردم که گویم: این چه شعار است که روز آدینه نماز سنت نگراری؟ شیخ به دنبال چشم به من بازنگریست و خواست که زهره من آب شود.

۳۵- در گروه کلمات زیر، چند غلط املایی و رسم‌خطی دیده می‌شود؟

- «هوای نفس - طریق و نمط - هنگامه و غوغا - چشمه غلغله‌زن - خالق و راذق - عارف و صاحب‌دل - با فروغ و چهره‌نما - لیاقت و برآزنده‌گی غافل و جاهل - جرأت و زهره - نحوه تفکر - تحصیل و فراهم آوردن - سهمگین و ترس‌آور - مبدأ و مقصد»
- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک



۳۶- در همه ابیات، آرایه «تشخیص» به کار گرفته شده است، به استثنای بیت

- (۱) چون بگشایم ز سر مو شکن
 (۲) قطره باران که درافتد به خاک
 (۳) چشمه کوچک چو به آن‌جا رسید
 (۴) چون بدوم سبزه در آغوش من
- ماه ببیند رخ خود را به من
 زو بدمد بس گهر تابناک
 وان همه هنگامه دریا بدید
 بوسه زند بر سر و بر دوش من

۳۷- در کدام بیت آرایه «نماد» دیده نمی‌شود؟

- (۱) چون بگشایم ز سر مو شکن
 (۲) گل به همه رنگ و برآزندگی
 (۳) زین نمط آن مست‌شده از غرور
 (۴) دید یکی بحر خروشنده‌ای
- ماه ببیند رخ خود را به من
 می‌کند از پرتو من زندگی
 رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور
 سهمگنی، نماداره جوشنده‌ای

۳۸- در بیت «در بر من ره جو به پایان برد / از خجلی سر به گریبان برد» که از زبان چشمه در وصف «قطره باران» سروده شده است، کدام یک

از آرایه‌های ادبی دیده نمی‌شود؟

- (۱) جناس (۲) تشبیه (۳) کنایه (۴) تشخیص

۳۹- در کدام بیت آرایه «حس آمیزی» وجود دارد؟

- (۱) چون بدوم سبزه در آغوش من
 (۲) گل به همه رنگ و برآزندگی
 (۳) چشمه کوچک چو به آن‌جا رسید
 (۴) لیک چنان خیره و خاموش ماند
- بوسه زند بر سر و بر دوش من
 می‌کند از پرتو من زندگی
 وان همه هنگامه دریا بدید
 کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند

۴۰- در کدام بیت هر دو آرایه «تشبیه و جناس» دیده می‌شود؟

- ۱) گفت درین معرکه یکتا منم
 - ۲) چون بدوم سبزه در آغوش من
 - ۳) راست به مانند یکی زلزله
 - ۴) چون بگشایم ز سر مو شکن
- تاج سر گلبن و صحرا منم
بوسه زند بر سر و بر دوش من
داده تنش بر تن ساحل یله
ماه ببیند رخ خود را به من

۴۱- در بیت «گه به دهان برزده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف» کدام گروه از آرایه‌های ادبی دیده می‌شود؟

- ۱) جناس - تشخیص - تضاد ۲) حس آمیزی - تشبیه - کنایه ۳) تشبیه - واج آرای - جناس ۴) تشخیص - کنایه - تضاد

(آزمایش سنجش ۸۷)

۴۲- در کدام بیت «کنایه» وجود ندارد؟

- ۱) بیامد به شبگیر بسته‌کمر
 - ۲) بدان را ز بد دست کوتاه کنم
 - ۳) برافراخت پس دست خیرگشا
 - ۴) برفتند گردان همه شاد و مست
- به پیش منوچهر پیروزگر
زمین را به کین، رنگ دبیبه (☹️) پارچه ابریشم) کنم
پی سربریدن بیفشرد پا
گرفته یکی دست دیگر به دست

(آزمایش سنجش ۸۹)

۴۳- در همه ابیات، به جز بیت «کنایه» وجود دارد.

- ۱) زرش داد و گوهر به شکر قدم
 - ۲) سخن گفت و دامان گوهر فشاند
 - ۳) تمتع ز هر گوشه‌ای یافتم
 - ۴) اگر پای‌بندی رضا پیش گیر
- بپرسید از گوهر و زادبوم
به نطقی که شه آستین برفشانند
ز هر خرمنی خوشه‌ای یافتم
وگر یک سواره سر خویش گیر

(سراسری انسانی ۸۱)

۴۴- در همه گزینه‌ها، به جز گزینه آرایه «تشخیص» موجود است.

- ۱) اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
 - ۲) حافظ، عروس طبع مرا جلوه آرزوست
 - ۳) دل بیمار شد از دست، رفیقان مددی
 - ۴) ما شبی دست برآریم و دعایی بکنیم
- من و ساقی به هم تازیم و بنیادش براندازیم
آینه‌ای ندارم از آن آه می‌کشم
تا طیبش به سر آریم و دوایی بکنیم
غم هجران تو را چاره ز جایی بکنیم

(سنجش انسانی ۸۶)

۴۵- در کدام بیت آرایه «تشخیص» به کار رفته است؟

- ۱) آن قطره باران که برافتد به گل سرخ
 - ۲) ای ابر بهمنی نه به چشم من اندری
 - ۳) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
 - ۴) لب ت تا در لطافت لاله سیراب را ماند
- چون اشک عروسی است برافتاده به رخسار
تن زن زمانکی و بیاسای و کم‌گری
تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
دل در بی‌قراری چشمه سیماب را ماند

(سراسری زبان ۸۵)

۴۶- در کدام بیت، آرایه «حس آمیزی» به کار رفته است؟

- ۱) یا برو همچون زنان رنگی و بویی پیش‌گیر
 - ۲) هر خسی از رنگ گفتاری بدین ره کی رسد
 - ۳) برگ بی‌برگی نمداری، لاف درویشی مزین
 - ۴) چرخ گردون این رسن را می‌رساند تا به چاه
- یا چو مردان اندر آی و گوی در میدان فکن
درد باید پرده‌سوز و مرد باید گام‌زن
رخ چو عیاران نمداری، جان چو نامردان مکن
گر همی صحرات باید، چنگ درزن در رسن

(سنجش انسانی ۸۸)

۴۷- در کدام بیت، آرایه «حس آمیزی» وجود دارد؟

- ۱) ای صاحب کرامت، شکرانه سلامت
 - ۲) بوی دهن تو از چمن می‌شنوم
 - ۳) پدرم روضه رضوان به دو گندم فروخت
 - ۴) دردی است درد عشق که هیچش طیب نیست
- روزی تفقیدی کن درویش بی‌نوا را
رنگ تو ز لاله و سمن می‌شنوم
ناخلف باشم اگر من به جوی فروشم
گر دردمند عشق بنالد غریب نیست

(سراسری هنر ۸۴)

۴۸- در همه ابیات، به جز بیت آرایه «حس آمیزی» مشهود است.

- ۱) به زبان چرب ای جان بنواز جان ما را
 - ۲) گر مکرر سخن تلخ بگوید معشوق
 - ۳) دل در طلب خنده شیرین تو خون شد
 - ۴) ز طبع خسته من عذر خامشی می‌پذیر
- به سلام خشک خوش کن دل ناتوان ما را
عاشق آن نیست که این نکته مسلم دارد
جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد
سخن گره نگشاید چو طبع بسته بود

۴۹- در کدام گزینه آرایه «تشبیه» به کار رفته است؟

- ۱) در این بازار اگر سودی است با درویش خرسند است
- ۲) سر انگشت تحیر بگزد عقل به دندان
- ۳) حافظ از مشرب قسمت گله بی‌انصافی است
- ۴) چون است حال بستان ای باد نوبهاری

۵۰- در کدام گزینه آرایه «تشبیه» دیده نمی‌شود؟

- ۱) ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد
- ۲) باز امشب ای ستاره تابان نیامدی
- ۳) گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم
- ۴) تو همچون گل ز خندیدن لب با هم نمی‌آید

۵۱- در کدام گزینه همه ارکان تشبیه حضور دارند؟

- ۱) روزگاری است که دل چهره مقصود ندید
- ۲) مهمان‌سراسر است خانه دنیا که اندرو
- ۳) در کتاب عالم از روی بصیرت غور کن
- ۴) سوخت چون عود مرا عشق و بر آن می‌پوشم

۵۲- در همه ابیات، به جز بیت هر چهار رکن تشبیه دیده می‌شود.

- ۱) کامم از تلخی غم چون زهر گشت
- ۲) کسی کاو بسته زلفت نباشد
- ۳) دل صنوبری‌ام همچو بید لرزان است
- ۴) هر آن که روی چو ماهت به چشم بد بیند

۵۳- در کدام گزینه «مشبه» به درستی مشخص شده است؟

- ۱) چو خامه (= قلم) در ره فرمان او سر طاعت
- ۲) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه
- ۳) به پای‌بوس تو دست کسی رسید که او
- ۴) دل شکسته حافظ به خاک خواهد برد

۵۴- در کدام بیت آرایه «تشبیه» بیشتر است؟

- ۱) روی من زردتر از برگ خزان در همه فصل
- ۲) هر که در بحر غمش راند چو من کشتی عمر
- ۳) عالمی مست می لعل تو وین ناداره بین
- ۴) گنج حسن است رخ او نتوان داد ز دست

۵۵- آرایه مقابل همه گزینه‌ها به جز گزینه نادرست است؟

- ۱) دلم جز مهر مهربان طریقی بر نمی‌گیرد
- ۲) سینۀ صافی گرفتم پیش چشم روزگار
- ۳) «سعدی» خیال بیهده بستی امید وصل
- ۴) مهر مهر از درون ما نرود

۵۶- آرایه‌های مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) برگ تر خشک می‌شود به زمان
- ۲) روی از جمال دوست به صحرا مکن که روی
- ۳) سوز دل یعقوب ستمدیده ز من پرس
- ۴) به سخن راست نباید که چه شیرین‌سخنی

۵۷- آرایه‌های بیت «ای آتش سودای تو خون کرده جگرها / بر باد شده بر سر سودای تو سرها» در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- ۱) تلمیح - جناس - تکرار
- ۲) کنایه - تشبیه - تشخیص
- ۳) تشبیه - کنایه - واج‌آرایی
- ۴) واج‌آرایی - تلمیح - کنایه

ساقیا، آن قدح آینه کردار بیار (قدح: کاسه، جام می)
 یک روز این بیاید و یک روز او رود
 چون به معنی راه بردی دود از این دفتر برآر
 دامن از دود درونم نکند غم‌آزی (عود: نوعی چوب خوشبو / غم‌آزی: سخن‌چینی)

(آزمایشی سن ۹)

از هوای رخ چون تازه‌بهارش باشد
 زان میان غایت مقصود کنارش باشد
 چشم خود را که همه سال خمارش باشد
 گرچه از غالیه صد حلقه مارش باشد

ز هر در می‌دهم پندش ولیکن در نمی‌گیرد (تکرار)
 تا در این آینه هر کس خود چه انگارد مرا (واج‌آرایی)
 هجرت بگشت و وصل هنوزت مصور است (تشبیه)
 ای برادر، که نقش بر حجر است (جناس)

برگ چشمان ما همیشه تر است (تضاد - تشبیه)
 در روی همنشین وفاجوی خوش‌تر است (تکرار - جناس)
 کاندوه دل سوختگان، سوخته داند (تلمیح - واج‌آرایی)
 وین عجب‌تر که تو شیرینی و من فرهادم (حس‌آمیزی - تشبیه)

۵۸- در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینه تلمیح وجود دارد.

- | | |
|--|--|
| ۱) نیست آسایش درین عالم، که بهر خواب تلخ
۲) مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
۳) حیات جاودان بی‌دوستان مرگی است پابرجا
۴) دانه‌ای در صیدگاه عشق، بی‌رخصت مچین | ۱) منت شیرینی افسانه می‌باید کشید
۲) یادم از کشتهٔ خویش آمد و هنگام درو
به تنهایی مخور چون خضر آب زندگانی را
۳) کز بهشت، آدم به یک تقصیر بیرون می‌رود |
|--|--|

۵۹- در همهٔ ابیات به استثنای بیت مراعات نظیر وجود دارد.

- | | |
|--|--|
| ۱) دوپذیر نباشد مریض علت شوق
۲) به راستان که گدایان آستان توایم
۳) کنون که کشتی ما در میان موج افتاد
۴) غمت چو ساغر اگر خون دل به جوش آرد | ۱) ولی چو روی مرض در شفا بود غم نیست
۲) وگر تو را غم کار گدا بود غم نیست
۳) اگر چنان که مجال شنا بود غم نیست
۴) چو همدم تو می‌جان‌فزا بود غم نیست |
|--|--|

۶۰- در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینه هر دو آرایهٔ «کنایه و تضاد» دیده می‌شود.

- | | |
|---|---|
| ۱) از دست دل سوخته و دیدهٔ خون‌بار
۲) در دکان همه باده‌فروشان تخته است
۳) زمستان پوستین افزود بر تن، کدخدایان را
۴) گرفتم آتش پنهان خبر نمی‌داری | ۱) یک لحظه نبودیم جدا ز آتش و از آب
۲) آن که باز است همیشه در میخانهٔ توست
۳) ولیکن پوست خواهد کند ما یک‌لقبایان را
۴) نگاه می‌کنی آب چشم پیدا را؟ |
|---|---|

زبان فارسی

۶۱- در کدام گزینه اجزای جمله نامرتب است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) خانهٔ دولت تو محکم نیست
۳) آشکار است ستمکاری دهر | ۲) قدر این یک دم و یک لحظه بدان
۴) پشتم از بار حوادث خم نیست |
|--|---|

۶۲- در کدام مصراع اجزای جمله مرتب است؟

- | | |
|---|---|
| ۱) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
۳) بوسه زند بر سر و بر دوش من | ۲) تاج سر گلبن و صحرا منم
۴) ابر ز من حامل سرمایه شد |
|---|---|

۶۳- در کدام بیت، اجزای جمله مرتب است؟

- | | |
|---|--|
| ۱) بلبلی گفت سحر با گل سرخ
۲) هر که پیوند تو جوید خوار است
۳) ما تو را سیر ندیدیم دمی
۴) ناگزیر است گل از صحبت خار | ۱) کاین همه خار به گرد تو چراست؟
۲) هر که نزدیک تو آید رسواست
۳) خار دیدیم همی از چپ و راست
۴) چمن و باغ به فرمان قضاست |
|---|--|

۶۴- اگر بیت «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا/ غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا، را مرتب کنیم، واژهٔ «گشت» پس از کدام واژه قرار می‌گیرد؟

- | |
|--|
| ۱) چشمه
۲) جدا
۳) تیزپا
۴) سنگی |
|--|

۶۵- کدام گزینه از اجزای اصلی بیت «مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر/ ما هم چنان در اول وصف تو مانده‌ایم» نیست؟

- | |
|---|
| ۱) تمام
۲) عمر
۳) هم چنان
۴) مانده‌ایم |
|---|

۶۶- اجزای اصلی جملهٔ زیر در کدام گزینه درست آمده است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) گلستان - از نظر نویسندگی - است
۳) از نظر نویسندگی - اثری ممتاز - است | ۲) گلستان - اثری ممتاز و قابل توجه - است
۴) از نظر نویسندگی - اثری ممتاز و قابل توجه - است |
|--|---|

۶۷- اجزای اصلی جملهٔ «آن روز همه مشتاقانه حرف‌هایم را می‌شنیدند»، در کدام گزینه درست نوشته شده است؟

- | | |
|---|---|
| ۱) آن روز - حرف‌هایم - می‌شنیدند
۳) همه - حرف‌هایم - می‌شنیدند | ۲) همه - مشتاقانه - می‌شنیدند
۴) مشتاقانه - حرف‌هایم - می‌شنیدند |
|---|---|

۶۸- کدام گزینه از اجزای اصلی بیت زیر نیست؟

- | | |
|---|--|
| ۱) بلی
۲) آن
۳) حکمت آن است پیش حکیم
۴) مستقیم | ۱) که بر راه دانش شود مستقیم
۳) حکمت
۴) مستقیم |
|---|--|

۶۹- کدام گزینه از اجزای اصلی عبارات زیر محسوب نمی‌شود؟

«من به قدر تو، نادانم / و سزای تو را ناتوانم / در بیچارگی خود سرگردانم / و روزبه‌روز در زیانم.»

(۱) من (۲) ناتوان (۳) سرگردان (۴) روزبه‌روز

۷۰- گروه مفعولی در جمله «یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود» کدام است؟

(۱) یکی (۲) صاحب‌دلان (۳) سر (۴) جیب مراقبت

۷۱- در بیت زیر، کدام گروه اسمی نقش «مفعولی» دارد؟

«چشمه کوچک چو به آن‌جا رسید / چشمه کوچک (۱) آن‌جا (۲) وان همه هنگامه دریا بدید» (۳) آن همه هنگامه دریا (۴) دریا

۷۲- در بیت زیر کدام واژه نهاد نیست؟

«کس را نماند از تک این خنگ بادپا / کس (۱) پا (۲) پا در رکاب و سر به تن و دست در لگام» (۳) سر (۴) دست

۷۳- نقش گروه اسمی مشخص‌شده در بیت زیر، در کدام گزینه درست نوشته شده است؟

«دید یکی بحر خروشنده‌ای / دید (۱) نهاد (۲) مفعول (۳) متمم (۴) مسند

۷۴- نقش گروه اسمی مشخص‌شده در بیت زیر در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

«به دختر چه خوش گفت بانوی ده / به (۱) نهاد (۲) مفعول (۳) متمم (۴) مسند

۷۵- در کدام گزینه نقش کلمه مشخص‌شده در مقابل آن اشتباه نوشته شده است؟

(۱) یکی در بیابان سگی تشنه یافت (مفعول) (۲) دل زنده هرگز نگردد هلاک (قید) (۳) بداندیش مردم به جز بد ندید (مفعول) (۴) خبر داد پیغمبر از حال مرد (نهاد)

۷۶- نقش کلمات مشخص‌شده، در کدام گزینه به ترتیب درست نوشته شده است؟

«به جغد گفت شبانگاه طوطی از سر خشم / به (۱) متمم - قید - نهاد - قید (۲) متمم - قید - نهاد - مسند (۳) قید - قید - مفعول - مسند (۴) متمم - قید - نهاد - قید

۷۷- نقش کلمات مشخص‌شده، در کدام گزینه به ترتیب درست ذکر شده است؟

«ز دامی دید گنجشکی، همایی / همایی (۱) نهاد - مفعول (۲) مفعول - نهاد (۳) نهاد - قید (۴) مفعول - مسند

۷۸- در کدام گزینه نقش کلمه مشخص‌شده در مقابل آن اشتباه نوشته شده است؟

(۱) کمند صید بهرامی بیفکن جام جم بردار / کمند (۲) دولت فقر خدایا به من ارزانی دار / دولت (۳) زاهد ایمن مشو از بازی غیرت زنهار / زاهد (۴) نه عمر خضر بماند نه ملک اسکندر / نه

۷۹- با توجه به جمله «امروز در مطبوعات و زبان منتقدان مطبوعات، اصطلاح غنایی یا لیریک، به معنی محدود و ناقص آن به کار می‌رود.»

(سنجش ۱۸۵)

نهاد جدا کدام است؟ (۱) محدود (۲) زبان (۳) منتقدان (۴) اصطلاح

(سنجش ۱۸۷)

۸۰- در عبارت زیر، نقش دستوری کدام واژه با سایر واژه‌ها متفاوت است؟

«مولانا تواضع و خاک‌نهادی را خلق رسول خدا می‌خواند و فقر اختیاری را بر مکتب و تجمل رایج شیخ‌الاسلام شهر ترجیح می‌داد و از آن هیچ‌گونه ناخرسندی نشان نمی‌داد و به آن چه از مرسوم مدرسه در مقابل فتوایی که از وی خواسته می‌شد دریافت می‌نمود، قناعت می‌کرد.»

(۱) فقر (۲) تجمل (۳) تواضع (۴) ناخرسندی

۸۱- واژه «این» در کدام بیت «مفعول» است؟

- ۱) این چرا کردم چرا دادم پیام؟
- ۲) بس دراز است این، حدیث خواجه گو
- ۳) این مگر خویش است با آن طوطیک؟
- ۴) این روا باشد که من در بند سخت

(سپش ۹۱)

۸۲- نقش ضمیر متصل «م» در پایان واژه‌های قافیه، در کدام بیت تفاوت دارد؟

- ۱) همت حافظ و انفاس سحرخیزان بود
- ۲) بی‌خود از شعشعه پرتو ذاتم کردند
- ۳) بعد از این، روی من و آینه وصف جمال
- ۴) من اگر کام‌روا گشتم و خوش‌دل چه عجب!

(سراسری زبان ۹۳)

۸۳- در کدام گزینه تعداد «مفعول» بیشتر است؟

- ۱) گفتم: در دل امید و بر لب خنده داشته باشید.
- ۲) پدری پسر را از تولد پسرش آگاه کرد.
- ۳) کتاب را در کیف و مداد را در جامدای بگذارید.
- ۴) تو را دیدم که از دور برایم دست تکان می‌دادی.

(پهاره‌همین المپیاد)

۸۴- کدام گزینه «مسند» ندارد؟

- ۱) انسان واقعی کیست؟
- ۲) حقیقت همیشه آشکار نیست.
- ۳) در خلقت خدا نقصی نیست.
- ۴) آسمان شب واقعاً دیدنی است.

(پهاره‌همین المپیاد)

قرابت‌مناهی

۸۵- مفهوم کلی کدام بیت نادرست است؟

- ۱) در بن این پُردۀ نیلوفری
- ۲) خواست کزان ورطه، قدم درکشد
- ۳) قطره باران که درافتد به خاک
- ۴) چون بگشایم ز سر مو، شکن

- ۱) کیست کند با چومنی همسری؟ (ادعای بی‌همتایی)
- ۲) خویشتن از حادثه برتر کشد (عقب‌نشینی و فرار)
- ۳) زو بدمد بس گهر تابناک (روئیدن گیاهان)
- ۴) ماه ببیند رخ خود را به من (آراستن مو)

۸۶- در کدام بیت به «سرعت حرکت چشمه» اشاره نشده است؟

- ۱) چون بدوم، سبزه در آغوش من
- ۲) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
- ۳) گه به دهان، بر زده کف چون صدف
- ۴) زین نمط آن مست شده از غرور

- ۱) بوسه زند بر سر و بر دوش من
- ۲) غلغلۀ زن، چهره‌نما، تیزپا
- ۳) گاه چو تیری که رود بر هدف
- ۴) رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور

۸۷- عملکرد باران در کدام بیت، مانند بیت «قطره باران که درافتد به خاک/ زو بدمد بس گهر تابناک» است؟

- ۱) باران که در لطافت طبعش خلاف نیست
- ۲) سعدی از سرزنش غیر نترسد هیهات
- ۳) حقیر تا نشماری تو آب چشم فقیر
- ۴) چو قطره قطره باران خُرد بر کهسار

- ۱) در باغ، لاله روید و در شوره‌بوم، خس
- ۲) غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را؟
- ۳) که قطره قطره باران چو با هم آمد جوست
- ۴) که سنگ‌های درشت از کمر بگرداند

۸۸- مفهوم کلی کدام دو بیت، یکسان است؟

- الف) لیک چنان خیره و خاموش ماند
- ب) نعره برآورده، فلک کرده کر
- ج) چون بگشایم ز سر مو، شکن
- د) در بر من، ره چو به پایان برد

- ۱) کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند
- ۲) دیده سیه کرده، شده زهره‌در
- ۳) ماه ببیند رخ خود را به من
- ۴) از خجلی سر به گریبان برد

الف - د ب - ج ج - الف د - ب

۸۹- از کدام بیت «غرور و تکبر چشمه» استنباط نمی‌شود؟

- ۱) چون بدوم، سبزه در آغوش من
- ۲) قطره باران، که درافتد به خاک
- ۳) گفت: درین معرکه، یکتا منم
- ۴) گل، به همه رنگ و برازندگی

- ۱) بوسه زند بر سر و بر دوش من
- ۲) زو بدمد بس گهر تابناک
- ۳) تاج سر گلبن و صحرا، منم
- ۴) می‌کنند از پرتو من زندگی

۹۰- شعر «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا، یاد آور کدام ضرب‌المثل فارسی است؟

(۱) از ماست که بر ماست. (۲) آب از سر گذشتن (۳) دست بالای دست بسیار است. (۴) آب از سر چشمه گل آلود است.

۹۱- کدام دو بیت «موقوف‌المعانی» هستند؟

(۱) خواست کزان ورطه، قدم درکشد
لیک چنان خیره و خاموش ماند
(۲) چشمه کوچک چو به آنجا رسید
خواست کزان ورطه، قدم درکشد
(۳) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
گه به دهان، بر زده کف چون صدف
(۴) قطره باران، که درافتد به خاک
در بر من، ره چو به پایان برد

۹۲- تصویر به کار رفته در بیت «چون بگشایم ز سر مو، شکن / ماه ببیند رخ خود را به من» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

(۱) سرنوشت عشق از پیشانی من روشن است
(۲) سرو را مانی و لیکن سرو را رفتار نه
(۳) گرچه بی‌قدرم، ولی از دیده چون غایب شوم
(۴) گرفتم آتش پنهان خبر نمی‌داری

۹۳- مفهوم کلی استنباط‌شده از کدام بیت درست است؟

(۱) ابر ز من حامل سرمایه شد
(۲) در بُن این پرده نیلوفری
(۳) چون بَدَوم، سبزه در آغوش من
(۴) قطره باران، که درافتد به خاک

باغ ز من صاحب پیرایه شد (نیازمندی ابر و باغ به آب)
کیست کند با چو منی همسری؟ (نیازمندی نیلوفر به چشمه)
بوسه زند بر سر و بر دوش من (سرسیزی دشت)
زو بدمد بس گهر تابناک (تبدیل قطره باران به مروارید)

۹۴- مفهوم کدام بیت، به بیت «ندیدم خوش‌تر از شعر تو حافظ / به قرآنی که اندر سینه داری» نزدیک است؟

(۱) ابر، ز من، حامل سرمایه شد
(۲) چون بگشایم ز سر مو، شکن
(۳) گفت: درین معرکه، یکتا منم
(۴) گل، به همه رنگ و برارزندگی

باغ، ز من صاحب پیرایه شد
ماه ببیند رخ خود را به من
تاج سر گلبن و صحرا، منم
می‌کند از پرتو من زندگی

۹۵- کدام گزینه با بیت «در بُن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری؟» قرابت معنایی دارد؟

(۱) بدین شعر تر شیرین، ز شاهنشاه عجب دارم
(۲) گرچه شعرا بسی است امروز
(۳) عجب است پیش بعضی که تر است شعر سعدی
(۴) اگر سفینه شعرم روان بود نه عجب

که سرتاپای حافظ را چرا در زر نمی‌گیرد؟
این طایفه را منم مقدم
ورق درخت طوبی است چگونه تر نباشد؟
که می‌رود به سرم از تنور دل، طوفان

۹۶- از میان ابیات زیر، کدام گزینه‌ها، قرابت بیشتری با یکدیگر دارند؟

(الف) یکی قطره باران ز ابری چکید
(ب) که جایی که دریاست من کیستم؟
(ج) سپهرش به جایی رسانید کار
(د) چو خود را به چشم حقارت بدید
(ه) بلندی از آن یافت کو پست شد

(۱) الف - ب (۲) ج - د (۳) ب - د (۴) د - ه

خجل شد چو پهنای دریا بدید
گر او هست حقا که من نیستم
که شدن نامور لؤلؤ شاهوار
صدف در کنارش به جان پرورید
در نیستی کوفت تا هست شد

۹۷- کدام گزینه، با بیت «بلندی از آن یافت کو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد» تناسب بیشتری دارد؟

(۱) سیلاب نیستی را سر در وجود من ده
(۲) ز خاک آفریدت خداوند پاک
(۳) از تواضع قد خم‌گشته خود راست کنی
(۴) ای سرو بلند بوستانی

کز خاک‌دان هستی، بر دل غبار دارم
پس ای بنده، افتادگی کن چو خاک
گر تمنای تمامی، چو هلال است تو را
در پیش درخت قامتت پست

۹۸- کدام گزینه، با بیت «بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد» قرابت معنایی دارد؟

- ۱) تواضع ز گردن‌فرازان نکوست
- ۲) گله گوشه بر آسمان برین
- ۳) به دولت کسانی سرافراختند
- ۴) تواضع گرچه محبوب است و فضل بی‌کران دارد

۹۹- کدام گزینه، با بیت «بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد» ارتباط معنایی کم‌تری دارد؟

- ۱) چو شب‌نم بیفتاد مسکین و خُرد
- ۲) از کریمان هر قدر لطف و تواضع خوش‌نماست
- ۳) در این حضرت آنان گرفتند صدر
- ۴) شب‌نم به آفتاب رسید از فروتنی

۱۰۰- کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها تناسب معنایی کم‌تری دارد؟

- ۱) «بیدل» دلیل (☐) راهنما) مقصدِ عَزّت، تواضع است
- ۲) اگر دشمن تواضع‌پیشه است، ایمن مشو «بیدل»
- ۳) تواضع‌های ظالم، مکر صیادی بُوَد «بیدل»
- ۴) زینهار از تواضع دشمن مخور فریب

۱۰۱- در کدام گزینه توصیه‌ای مطابق با توصیه‌ی زیر وجود دارد؟

«چوپان گفت: پنج چیز خلاصه‌ی دانش‌هاست، اول: تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم.»

- ۱) حیف است اگرچه کذب رود بر زبان تو
- ۲) حاصلی غیر از جگرخوردن ندارد راستی
- ۳) چون شمع در این انجمن از راستی خویش
- ۴) سحر را تأثیر نبُوَد در عصای موسوی

۱۰۲- کدام گزینه با عبارت «تا مال حلال تمام نشده، حرام نخورم.» تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) مکن به خوردن خشم و غضب ملامت من
- ۲) از شیر مادر است به من می حلال‌تر
- ۳) می‌خورد رزقِ حلال، آن کس که در مُلک وجود
- ۴) گر از آتش همی‌ترسی به مال کس مشو غرّه

۱۰۳- کدام گزینه با عبارت «تا از عیب و گناه خود پاک نگردم، عیب مردم نگویم» تناسب ندارد؟

- ۱) ما نمی‌پوشیم عیب خویش، اما دیگران
- ۲) آگه از عیب عیان خود نه‌ایم
- ۳) گفت از عیب خویش بی‌خبری
- ۴) نبینی عیب خود در تندخویی

۱۰۴- کدام گزینه با عبارت «تا روزی خدا تمام نشده به در خانه دیگری نروم» تناسب بیشتری دارد؟

- ۱) «حافظ» قلم شاه جهان مقسیم رزق است
- ۲) ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم
- ۳) بر آستان میکده خون می‌خورم مدام
- ۴) بشنو این نکته که خود را ز غم آزاده کنی

۱۰۵- کدام گزینه با عبارت «تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام از هوای نفس و شیطان غافل نباشم» تناسب بیشتری دارد؟

- ۱) دشنه تحقیق برداریم ابراهیم‌وار
- ۲) کسی سیرت آدمی نوش کرد
- ۳) نفس ما خصمی عظیم اندر نهاد راه ماست
- ۴) اگر صد سال روز و شب ریاضت می‌کشی دائم

- ۱) گوسفندِ نفسِ شهوانی بدو قربان کنیم
- ۲) که اوّل سگِ نفسِ خاموش کرد
- ۳) غزوّ اکبر باشد از در روی او خنجر کشیم
- ۴) مباش ایمن یقین می‌دان که نفست در کمین باشد